

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یوری تاوروفسکی* (Yuri TAVROVSKY)-

برگردان: ا. م. شیری

۰۳ اپریل ۲۰۲۴

ارزش‌های دموکراتیک و جنگ سرد



دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی چین مدرن

مفهوم «ارزش‌های دموکراتیک» از آغاز جنگ سرد علیه اتحاد جماهیر شوروی، چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی به «قدرت نرم» در زرادخانه غرب تبدیل گردید. اتهامات فقدان دموکراسی به تحکیم پایه‌های تشکیل بلوک نظامی «دمکراتیک» که علیه متحدان خود در مبارزه با فاشیسم جنگ‌های اطلاعاتی به راه انداخت و آن‌ها را محاصره تجاری کرد، منجر شد. تحمیل تهاجمی «ارزش‌های عموم‌پشری» مبتنی بر مفهوم دموکراسی با گذار مسکو به سیاست «همزیستی مسالمت‌آمیز» با غرب و به‌ویژه، با آغاز سیاست «تفکر جدید» تشدید شد. ارزش‌های لیبرالی از ابتدای سیاست «اصلاحات و درهای باز» بناچار «در یک بستهبندی» همراه با سرمایه و فناوری غربی به چین نفوذ کرد. اتحاد جماهیر شوروی با شعارهای مبارزه برای دموکراسی، علیه «دیکتاتوری تک حزبی» و «حقوق بشر» سقوط کرد. حزب حاکم چین با جوانانی که تحت تأثیر مفهوم دموکراسی قرار گرفته بودند، مواجه شد. اما رهبران با تجربه با اقدامات قاطعانه کشور را از سرنوشت مشابه اتحاد شوروی نجات دادند.

پیروزی در جنگ سرد علیه اردوگاه سوسیالیستی، به پایان کاربرد مفهوم دموکراسی در تمایل غرب برای تضمین تسلط کامل خود بر جهان منجر نشد. برای تحکیم نظم جهانی تک قطبی، مفاهیم جدیدی مانند «نظم جهانی مبتنی بر قوانین» نیز به آن افزوده شد. برای از میان برداشتن مراکز در حال ظهور و نامطلوب عقب مانده از هنجارهای دموکراسی غربی، فنون «انقلاب‌های رنگی» اختراع شد و در اروپای شرقی، فضای پسا شوروی، جهان عرب و کشورهای امریکای لاتین با موفقیت مورد استفاده قرار گرفت.

«سلاح مهیب قدیمی» در قالب «ارزش‌های دموکراتیک» با از سرگیری جنگ سرد دوباره به کار افتاد. جنگ سرد جدید پس از مخالفت رئیس جمهور بوتین با اعطای نقش فرعی به روسیه در دنیای تک قطبی در کنفرانس امنیتی مونیخ

در سال ۲۰۰۷، آغاز شد. رهبری چین در سال ۲۰۰۹، پیشنهاد رئیس جمهور امریکا مبنی بر ایفای نقش «برادر کوچکتر» در گروه بزرگ-۲ برای حکومت بر کره زمین را رد کرد. از آن زمان، «محدودیت» روسیه و چین با استفاده از ابزارهای جدید و کهنه، از جمله مفهوم «ارزش‌های دموکراتیک»، به شدت افزایش یافت. پس از آن ساخت دو جبهه جنگ سرد جهانی جدید: غربی و شرقی آغاز گردید.

پیشروی بلوک نظامی ناتو به مرزهای روسیه به شروع جنگ در اوکراین انجامید. تجدید ائتلاف‌های نظامی ضد چین و تشکیل بلوک‌های نظامی جدید مانند پیمان امنیتی سه‌جانبه بین امریکا، انگلیس و استرالیا و توافق سه‌جانبه بین امریکا، جاپان و کوریای جنوبی، تنش‌ها در حوزه اقیانوس آرام را به شدت تشدید کرد. کانون داغ شورش جدائی‌طلبان در تایوان و کانون جدید درگیری در فیلیپین برای تکرار «سناریوی اوکراینی» طراحی شدند. شایان ذکر است که امریکا برای مهار «کمونیسم چینی»، در دهه‌های گذشته ائتلاف‌هایی تشکیل داد. این ائتلاف‌ها در جنگ کوریا ۱۹۵۰-۱۹۵۳، زمانی که نیروهای ۱۵ کشور علیه داوطلبان خلق چین جنگیدند و در جنگ ویتنام ۱۹۶۵-۱۹۷۳ که در آن نظامیان ۸ کشور شرکت داشتند، تشکیل گردید.

با استفاده از «قدرت نرم»، توان نظامی افزایش یافت و تحریم‌های اقتصادی در جبهه‌های غربی و شرقی جنگ سرد جدید تشدید شد. امریکا با سوء استفاده از محبوبیت ایده‌های دموکراسی در افکار عمومی جهان، حق تعریف این یا آن کشور به عنوان «اقتدارگرا» یا «دموکراتیک» را به انحصار خود درآورد. این امر، به خصوص در برگزاری اجلاس سران برای دموکراسی در دسامبر ۲۰۲۱ که با هدف متحد کردن جامعه جهانی علیه روسیه و چین به عنوان اصلی‌ترین «قدرت‌های خودکامه» برگزار شد، کاملاً مشهود بود. امتناع از مشارکت در مبارزه با «خودکامه‌ها» نه تنها در «سوی اشتباه تاریخ» قرار می‌گیرد، بلکه عواقبی در زمینه‌هایی مانند بازرگانی، مالی و حتی «انقلاب‌های رنگی» یا مداخله مستقیم نظامی در پی دارد.

غرب با به انحصار خود درآوردن مفهوم «ارزش‌های دموکراتیک»، در واقع بقیه بشریت را که طی قرون و اعصار ایده‌ها و اشکال دموکراسی خود را بر اساس شرایط و سنت‌های تمدنی و فرهنگی خود ایجاد کرده است، غارت کرد. واژه‌های «دموس» (جامعه) و «کراتوس» (حاکمیت) در یونان باستان به دنیا آمدند. نسخه‌های مختلف نظام دموکراسی ایجاد شده در آنجا، به اشکال مختلف در سراسر اروپا گسترش یافت. به گونه‌ای که در جمهوری نواگوراد در شمال روسیه، در آغاز قرن دوازدهم، هیأت نمایندگی حاکمیت «وچه-veche» «مجمع مردمی در کشورهای اسلاو. م.» به طور مؤثر عمل می‌کرد. مجمع، رئیس قوه مجریه- «شاهزاده» را که به عنوان رهبر نظامی و قاضی عالی خدمت می‌کرد، انتخاب می‌کرد.

سایر اشکال دموکراسی در دولت شهرهای المان و همچنین در هالند و انگلیس شکوفا شد. از آنجا، همراه با «مسافران»، آن‌ها را به امریکای شمالی منتقل کردند. در آنجا به تدریج فرهنگ سیاسی خاصی شکل گرفت که می‌توان آن را «دموکراسی با ویژگی‌های امریکائی» نامید. با این حال، پس از پایان جنگ جهانی دوم این تنوع به عنوان مرجع اعلام شد. بنابراین، هر آنچه که در این تخت پروکروستس نگنجد، در معرض قطع عضو بی‌رحمانه قرار می‌گیرد. وضعیت کنونی «ارزش‌های دموکراتیک» در غرب، تصویر دوریان گری، مندرج در کتاب اسکار وایلد را یادآوری می‌کند. تصویر جذاب یک مرد خوش تیپ همیشه جوان با یک چهره منجرکننده و پنهان از چشمان کنجکاو که تمام بدی‌ها و جنایات قهرمان داستان بر روی آن ردپائی بر جای می‌گذارد، توأم است. نیازی به برشماری ردیلت‌ها و جنایات غرب نیست. اما بازنگری سایر اشکال دموکراسی که با موفقیت روزافزون در جهان عمل می‌کنند، لازم است.

چین، بارزترین نمونه است. یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون انسان تحت نظامی که رسماً «نظام دموکراسی یکپارچه مردمی» نامیده می‌شود، زندگی می‌کند. مفهوم دموکراسی تنها در آغاز قرن بیستم به چین آمد. حتی اصطلاحات «دموکراسی»، «جمهوری»، «قانون اساسی» از زبان هیروگلیف دیگر – شاید از زبان جاپانی، که در آن اصلاحات لیبرال-بورژوائی چندین دهه قبل از آن آغاز شد، به عاریت گرفته شده است. اصطلاحات و سازوکارهای دموکراسی سوسیالیستی از اتحاد جماهیر شوروی سرچشمه می‌گیرد، که در آنجا فعالان احزاب کومینتانگ و گونگ‌چانگدان (حزب کمونیست) از جمله، دنگ سیائوپینگ، «معمار اصلاحات و درهای باز»، و جیانگ جینگگو، پسر چیانگ کای شک، رهبر آینده تایوان، در دهه ۲۰ در مؤسسات آموزشی ویژه آن تحصیل می‌کردند. چینی‌سازی نظریه و عمل دموکراسی چندین دهه طول کشید و مراحل بسیار درناکی را پشت سر گذاشت. به رغم این، نتیجه به دست آمده شرایط «معجزه اقتصادی چین» را فراهم کرد و چین را به دومین اقتصاد جهان تبدیل کرد.

ویژگی خاص نظام دموکراسی چین، عبارت از تأکید بر تأمین منافع اقتصادی کل ملت، نه گروه‌ها یا افراد منفرد آن است. این واقعیت هنگام اعلام برنامه بلندمدت برای «جوان‌سازی بزرگ ملت چین» در سال ۲۰۱۲ به وضوح آشکار شد. طرحی که توسط شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور طراحی شده است، قرار است تا سال ۲۰۴۹ تکمیل شود. اما نتایج به دست آمده تاکنون را می‌توان فوق‌العاده نامید. کل اقتصاد از خدمت به بازارهای خارجی به سوی مصرف‌کنندگان خود برگردانده شد. به دلیل ریشه‌کنی فقر تعداد آن‌ها افزایش یافت – ۱۰۰ میلیون نفر دیگر از زیر خط فقر خارج شد. طبقه متوسط گسترش می‌یابد: ۴۰۰-۵۰۰ میلیون نفر. در آینده نزدیک، حدود ۳۰۰ میلیون کارگر مهاجر که برای کار از روستاهای پرجمعیت به شهرها می‌آیند، ثبت «هوکوی» شهری دریافت خواهند کرد. ثبت اقامت شهری به آن‌ها امکان استفاده از مؤسسات پزشکی و آموزشی، تسهیل نقل و انتقال خانواده‌ها و خرید مسکن فراهم می‌کند. تضمین واقعی حقوق بشر برای یک زندگی آبرومندانه در پدیده‌های دهه اخیر مانند لغو محدودیت‌ها برای تولد فرزند دوم، در کارزار ملی بهبود محیط زیست منعکس شده است. به لطف مبارزه سازش‌ناپذیر با فساد و سوءاستفاده از قدرت، نقض حقوق «آدم کوچک» به شدت دشوار می‌شود. حزب حاکم کمونیست که در ۱۰ سال اول اصلاحات سریع، به کیفیت جدید زندگی تحت شعار ایجاد «جامعه رفاه متوسط» (xiao kang) دست یافت، شعار دستیابی به «بهبودی عمومی» (گونگ تانگ فو یو) را مطرح کرد. موفقیت‌های اصلی آن تا سال ۲۰۳۵ قابل مشاهده خواهد بود. بسیاری از مشکلات تا آن زمان باید حل شوند.

جالب است این مشکلات را خود چینی‌ها چگونه تعریف می‌کنند. رسانه‌های الکترونیکی در آستانه جلسه اخیر کنگره ملی خلق چین (مجلس)، از ۶ میلیون ۱۵۰ هزار کاربر اینترنت نظرخواهی کردند. ۱۰ وظیفه اصلی جامعه، از جمله، رعایت قوانین، تضمین اشتغال، مراقبت‌های پزشکی شایسته و توسعه اقتصادی با کیفیت بالا بر اساس فناوری‌های روز مسائل مورد سؤال بود.

مدل جامعه ساخته شده در چین، علاوه بر دموکراسی چینی، شامل یک نظام اقتصادی منحصر به فرد است که اقتصاد سوسیالیستی برنامه‌ریزی شده را با سرمایه‌داری بازار تحت کنترل حزب کمونیست تلفیق می‌کند. این مدل «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی دوران جدید» نامیده شد. چند سال پیش، رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ آن را «الگوی جدید تمدن بشری» خواند. چین در واقع از مجموعه فورماسیون‌های کلاسیک: «فئودالیسم – سرمایه‌داری – سوسیالیسم» فراتر رفته است. با وجود این، چین به نقش تاریخی جدید خود در تاریخ بشر افتخار نمی‌کند. همان شی جین‌پینگ به خصوص تأکید کرد که اگرچه کشورش آماده است تجربیات خود را با دیگران به اشتراک بگذارد، اما قصد ندارد مدل توسعه خود را به کشورهای دیگر تحمیل کند.

به نظر من انحصار «ارزش‌های دموکراتیک» به شکل امریکائی سرانجام نه تنها به واسطه «دموکراسی چینی»، بلکه توسط نظام‌های دموکراتیک روسیه، هند، برزیل و سایر «لوکوموتیوها» که در دهه‌های گذشته توسعه یافته است، در هم خواهد شکست. آن‌ها با هم و بدون تلاش برای استقرار هژمونی، اظهار برتری خود و تحقیر سایر نظام‌ها، راه‌های موجودیت مستقل و همزیستی را خواهند یافت. مجموع این نظام‌ها مبنای ایدئولوژیک جامعه سرنوشت مشترک بشریت خواهد شد.

مأخذ: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک

۱۴ فروردین - حمل ۱۴۰۳

* - خاورشناس، معاون رئیس انجمن دوستی روسیه و چین، رئیس شورای کارشناسان کمیته صلح، دوستی و توسعه روسیه و چین